

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۰ می ۲۰۱۸

## علل هجوم چندباره انتحاری ها به خوست و دشت برچی

۱

چهارشنبه- ۱۹ ثور ۱۳۹۷ - کابل: امروز باز هم "مهمانان جناب رئیس" در شهر کابل سه حادثه آفریدند. یکی در "شهرنو" و دوی دیگر در "دشت برچی" و حوالی "مهتاب قلعه". در حالی که نتایج حمله بر "شهرنو" تا هنوز - هفت شام به وقت کابل- معلوم نیست در دو حمله دیگر، در دشت برچی چهارکشته و چند زخمی که کشته شدگان دو انتحاری و دو پولیس و در مهتاب قلعه صرف انتحاری کشته شده است.

هر چند در جریان یکی دو ماه اخیر در ولایت خوست نیز، چند عملیات انتحاری صورت گرفته، مگر در مجموع، کنش "دشت برچی" برای عملیات انفجاری و انتحاری و مرگ آرام و بی سروصدای مردم آن مسأله ایست که نمی توان بسادگی از کنار آن گذشت. زیرا:

۱- قاعدتاً در هر محل مشخصی وقتی در فاصله زمانی کوتاه یک عمل انتحاری و یا حرکت دیگری صورت می گیرد، نخستین سؤالی که باید ذهن پژوهنده را به خود معطوف دارد، چرائی انتخاب آن مکان است. مثلاً در خوست، با آن که اوضاع به سالهای قبل در رابطه با مناسبات مردم با دولت دست نشانده زیاد تغییر نکرده، مگر وقتی آن ولایت آماج حملات انتحاری متواتر قرار می گیرد، باید از خود پرسید، چرا خوست؟ جهت پاسخ به این سؤال لازم است تا از گذشته های دور و نزدیک شروع کرد، گذشته هائی که از یک جانب "گلبدین" می خواست بنا بر خواست "آی. اس. آی" در آنجا قدرت یکه تاز و تعیین کننده باشد و از طرف دیگر ساختار قومی و روابط بین اقوام ساکن در آنجا و هیرارشی قدرت بین اقوام توأم با سنن قومی و پشتونوالی به وی این اجازه را نمی داد. در نتیجه در تمام سالهای مقاومت ضد اشغالگران روسی منطقه خوست و پکتیای بزرگ شامل، ولایات پکتیا، پکتیکا و خوست، خلاف اراده پاکستان و "آی. اس. آی" در زیر اداره مولوی "حقانی" قرار گرفت.

هرگاه حرکات انتحاری و انفجاری در ولایت خوست را از لحاظ زمانی با آمدن "گلبدین" به کابل مقایسه نمائیم، دیده می شود که تقرب زمانی بین آغاز عملیات های انتحاری و انفجاری در خوست با آمدن "گلبدین" در کابل و میز نانی که در انتظار مهمانانش قرار دارد، مشاهده می شود که نزدیکی خطرناکی بین دو واقعه وجود دارد.

در نتیجه برای آن هائی که به دنبال یافتن ریشه های یک جریان حرکت می نمایند، همین مسأله می تواند آغاز خوبی به شمار رفته، هرگاه مسأله با دقت تعقیب گردد با اطمینان می توان گفت که در عقب عملیات های انتحاری خوست ایادی "گلبدین" دست دراز دارند.

این که آنها از تکرار عملیات در آن ولایت و به خاک و خون کشیدن مردم چه می خواهند، مسأله دیگریست که پژوهشگر می باید به آن پاسخ بگوید. آیا صرف ایجاد و دامن زدن به بی ثباتی هدف است و اگر چنین است چرا می خواهند منطقه را بی ثبات بسازند و یا اهداف دیگری نیز در نظر است که بی ثباتی می تواند به مثابه ابزار رسیدن به آن مورد توجه قرار گیرد؟

چرا "گلبدین" می خواهد بی ثباتی و نا آرامی را در ولایت خوست یعنی در کنار "تری منگل" که در تمام دوران مقاومت ضد روسی بزرگترین مرکز نقل و انتقالات نظامی در داخل افغانستان به شمار می رفت، دامن بزند؟ آیا می خواهد با این دامن زدن برای خود جای امنی پیدا نماید و یا این که با "آی. اس. آی" روی کدام پروژه ای کار می کند که ما تاکنون به چونی و چندی آن آگاه نیستیم.

آیا این حرکات با آن پیشنهاد کذائی "گلبدین" - سپردن مناطقی در اختیار طالبان - رابطه دارد و یا خیر؟ و اساساً آیا بین فعالیت های انتحاری در خوست با تشدید فعالیت های نظامی در مناطقی که قبلاً "گلبدین" نفوذ داشت، رابطه ای وجود دارد و یا خیر؟ و ...  
ادامه دارد.